

از بن‌گوریون تا نتانیا‌هو؛ تکامل استراتژی امنیت ملی اسرائیل

## ضعیف نمی‌تواند

## در خاورمیانه زنده بماند!



محمد وحیدی

رژیم اسرائیل با وجود اینکه مدام در معرض تهدید بوده و بنابراین دائماً به استراتژی‌های امنیت ملی به‌روز نیاز داشته، رسماً تنها یک سند از این دست منتشر کرده است. دیوید بن‌گوریون، اولین نخست‌وزیر این رژیم، اولین و تنها سند امنیت ملی رسمی تأییدشده اسرائیل را نوشت. این سند حاصل تقریباً هفت هفته کار در سال ۱۹۵۳ بود؛ زمانی که او مرخصی گرفت تا آن‌را در خانه کوچک خود در کیبوتص صحرایی جنوبی سد بوکر بنویسد. از آن زمان، اسرائیل هیچ مفهوم امنیتی رسمی و به‌روزشده‌ای منتشر نکرده. حداقل سه تلاش جدی صورت گرفته است که در این گزارش شرح خواهیم داد.

## پیرمرد وارد عمل می‌شود

اولین نخست‌وزیر این رژیم از الزامات شغلی خود کناره‌گیری کرد، به خانه‌اش در سد بوکر پناه برد و اولین و تنها طرح رسمی نظامی و امنیتی اسرائیل را در سال ۱۹۵۳ تدوین کرد. بن‌گوریون در ترسیم دکترین امنیتی خود تا حدی به مفهوم «دیوار آهنین» ژاבוئینسکی تکیه کرد. در این سند، بن‌گوریون مشاهداتی را مطرح کرد که تا حدودی هنوز هم صادقند؛ ۱. اسرائیل با تهدید موجودیتی بلندمدتی از سوی کشورهای متخاصمی که آن را احاطه کرده‌اند، مواجه است. ۲. اسرائیل باید همیشه آماده باشد، زیرا نمی‌تواند حتی یک جنگ را هم بیازد. ۳. اسرائیل، به دلیل وسعت و موقعیت مکانی، همیشه با عدم تقارن جغرافیایی و جمعیتی ذاتی دست‌وپنجه‌نرم خواهد کرد، بنابراین ارتش دائمی اسرائیل باید آماده باشد تا به هر سناریوی تهدیدی پاسخ دهد. ۴. اطلاعات اسرائیل باید عالی باشد تا بتواند تهدیدهای جدید را پیش‌بینی کند و هشدار اولیه را ارائه دهد. ۵. در صورت جنگ، اسرائیل باید جنگ را به خاک دشمن ببرد تا هم از تلفات غیرنظامیان جلوگیری کند و هم تلاش کند مدت زمان هرگونه درگیری را کوتاه کند. «دکترین نظامی بن‌گوریون سه اصل یا ستون را دربرمی‌گرفت: «بازدارندگی، هشدار زودهنگام و قدرت تهاجمی.» این اصول هنوز سنگ بنای امنیت اسرائیل هستند، بعضی موارد دیگر کاربرد ندارند، چون اسرائیل دیگر با تهدیدهای وجودی کوتاه‌مدت مواجه نیست. علاوه بر این، کاهش درگیری‌های جنگی کلاسیک متعارف، اسرائیل را در مقابل گروه‌های چریکی قرار داده. این دشمنان، دکترین امنیتی اسرائیل را درونی کرده‌اند و اکنون به دنبال مقابله با آن با تمدید مدت درگیری و کشاندن جنگ به داخل سرزمین‌های اشغالی هستند. آن‌ها این کار را از طریق جنگ نامتعارف انجام می‌دهند که شامل استفاده از عملیات استشهادی در سرزمین‌های اشغالی، درگیری چریکی و نزدیک، استفاده از موشک‌های ضدتانک کوتاه‌برد و میان‌برد، راکت‌ها و سایر پرتابه‌ها و تونل‌ها برای تسهیل انتقال سیستم‌های تسلیحاتی و حملات کماندویی است. همین، اعلام قطعی پیروزی را برای اسرائیل دشوار کرده است. در واقع برای گروه‌های مقاومت، صرفاً زنده ماندن یک پیروزی بزرگ است. این روش‌ها همچنین برای اسرائیل روشن کرده که اکنون درگیر جنگ مداوم (جنگ بین جنگ‌ها) است و با دستیابی این گروه‌ها به تسلیحات بهتر، اسرائیل اکنون باید بیشتر به جبهه داخلی و همچنین زیرساخت‌های حیاتی و نهادهای دولتی فکر کند، بنابراین دکترین امنیتی اسرائیل با گذشت زمان تغییر کرده است، حتی اگر این تغییرات به صراحت در اسناد رسمی بیان نشده باشند.

## تلاش برای به‌روزرسانی استراتژی امنیت ملی (NSS)

برای بیش از چهار دهه، سند سد بوکر بن‌گوریون اولین و تنها تلاش موفق برای بیان دکترین امنیتی اسرائیل روی کاغذ بود. دلیل این امر در ساختار سیستم اسرائیل نهفته است. اگر بخواهیم دقیق‌تر بگوئیم، سیستم سیاسی اسرائیل تقریباً به عنوان یک عامل بازدارنده عمل می‌کند. این فرایند شامل جلب نظر چهره‌های سیاسی مخالف در مورد مسائل امنیتی بحث‌برانگیز و حساس است که پیامدهای سیاسی، اقتصادی (بودجه) و اجتماعی قابل توجهی نیز دارد. برخی نیز ممکن

## نوبت نتانیا‌هوسید

در سال ۲۰۱۷، نتانیا‌هو، ابراز تمایل کرد که شخصاً یک استراتژی امنیت ملی را با کمک مشاوران ارشد و کارکنان نزدیک خود (از جمله شورای امنیت ملی و دبیرخانه نظامی) تهیه کند. او این سند را سال ۲۰۱۸ تکمیل کرد. نتانیا‌هو نکات اصلی را به کابینه، نهادهای مختلف در نهاد امنیتی و کمیته‌های مربوطه کنست ارائه داد. او برخی از محتوای طبقه‌بندی نشده آن را در چندین مناسبت، از جمله در مراسم فارغ‌التحصیلی کالج امنیت ملی و در کنفرانس اورشلیم گلوبز در دسامبر ۲۰۱۸، مورد بحث قرار داد. نتانیا‌هو عنوان کرده ضعیف نمی‌تواند در خاورمیانه زنده بماند. بنابراین او اظهار می‌کند اسرائیل باید قدرت خود را تقویت کند و مزیت نسبی خود را افزایش دهد، به ویژه در اطلاعات و فناوری. نتانیا‌هو ادعا می‌کند امنیت اسرائیل بر چهار ستون اصلی استوار است؛ ستون اول قدرت نظامی است که از بازدارندگی، هشدار زودهنگام، قابلیت‌های نظامی و تهاجمی ناشی می‌شود. ستون دوم قدرت اقتصادی است که از تقویت بخش خصوصی، رفع موانع تجارت و بازرگانی و تقویت روابط اقتصادی جهانی ناشی می‌شود. ستون سوم قدرت سیاسی است که از اتحادهای قوی، بازدارندگی، تضمین آزادی عمل ارتش اسرائیل و فرسایش اکثریت ضداسرائیلی در سازمان‌های بین‌المللی ناشی می‌شود. ستون آخر نتانیا‌هو قدرت اجتماعی و معنوی توصیف می‌کند که شاید بهتر باشد آن را سرمایه انسانی توصیف کنیم و به تاب‌آوری مردم اسرائیل اشاره می‌کند. نتانیا‌هو معتقد است اسرائیل باید سرمایه انسانی خود را پرورش دهد و اطمینان حاصل کند افراد برجسته مدت طولانی‌تری در خدمت باقی می‌مانند. علاوه بر این، اسرائیل باید اطمینان حاصل کند قابلیت‌های تکنولوژیکی و عملیاتی آن نسبت به دشمنانش بسیار برتر باقی می‌ماند. او خاطرنشان می‌کند برتری مشابهی باید در زمینه‌های رباتیک، پهپادها و سایر فناوری‌هایی که اسرائیل را قادر به عملیات در عمق خاک دشمن می‌کند، تضمین شود. در نهایت، نتانیا‌هو اصول و دستورالعمل‌های خود را برای استفاده از زور تشریح می‌کند. او عنوان می‌کند زور می‌تواند و باید برای مقابله با هرگونه تهدید وجودی به کار گرفته شود. مطابق با دیدگاه اولیه بن‌گوریون، اسرائیل همچنین باید بتواند بسیاری از دشمنان را در یک جنگ چند جبهه‌ای شکست دهد. نتانیا‌هو، همگام با سایر تلاش‌ها برای ایجاد یک استراتژی امنیت ملی، بر لزوم حفظ آمادگی برای «جنگ بین جنگ‌ها» تأکید می‌کند.

است استدلال کنند جانشینان بن‌گوریون (که عمدتاً از حزب کارگر او بودند) می‌خواستند به میراث او احترام بگذارند، بنابراین از جایگزینی کار او خودداری کردند. اما توضیح قانع‌کننده‌تر این است که اسرائیل فاقد زیرساخت‌های بروکراتیک بود، حتی تا اواسط دهه ۱۹۹۰ شورای امنیت ملی (NSC) نداشت. در آن زمان بود که بروکراسی اسرائیل تلاش‌هایی را برای ایجاد یک NSS جدید آغاز کرد. در سال ۱۹۹۸، وزیر دفاع، اسحاق مردخای، سرلشکر دیوید اوری (که اولین مشاور امنیت ملی شد) را به ریاست یک گروه ویژه برای به‌روزرسانی مفهوم دفاع و امنیت منصوب کرد. اوری این گروه ویژه را به پنج کمیته فرعی تقسیم کرد؛ ۱. بازدارندگی، پیروزی قاطع و هشدار زودهنگام. ۲. روابط نظامی - غیرنظامی، ۳. سیاست نظامی و روابط اجتماعی، ۴. مسائل استراتژیک و ۵. فناوری. «این گروه ویژه شامل افراد مهمی از درون تشکیلات امنیتی اسرائیل بود. تنها برخی کمیته‌های فرعی گروه ویژه توانستند کار خود را تکمیل و تا حدی منتشر کنند. اما تیم یکپارچه‌ساز که مسئول صدور مفهوم کلی امنیت برای تأیید بود، نتوانست مأموریت خود را تکمیل کند. این فرایند منجر به درگیری بین پنج تیم و ناتوانی در ارائه یک سند واحد شد. این تیم پس از پایان دوره مردخای منحل شد. در سال ۲۰۰۴، شائول موفاز، وزیر دفاع، دن مریدور، سیاستمدار اسرائیلی را (که یکی از پنج رهبر کمیته فرعی در کارگروه ۱۹۹۸ بود) به ریاست یک کمیته تخصصی برای تهیه مفهومی نظامی و امنیتی به‌روزشده اسرائیل منصوب کرد. مریدور، با درس گرفتن از شکست قبلی، تنها یک کمیته (به جای پنج کمیته) تشکیل داد که شامل بیش از ۱۵ متخصص و پرسنل امنیتی از ارتش، دولت، دانشگاه و سایر زمینه‌ها بود. در سال ۲۰۰۶، مریدور یک گزارش ۲۵۰ صفحه‌ای طبقه‌بندی شده و مفصل را به نخست‌وزیر، وزیر دفاع، ستاد کل، آژانس امنیت اسرائیل، موساد و سایر آژانس‌های امنیتی ارائه داد. نتیجه‌گیری‌های این تیم نیز هرگز تصویب یا تأیید نشد (احتمالاً به دلیل تضاد پیامدهای بودجه‌ای، سیاسی نظامی یافته‌های آن‌ها و این حس که محصول نهایی بیش از حد حول اولویت‌های امور نظامی در مقایسه با سایر ذی‌نفعان متمرکز است). در اگوست ۲۰۱۵، گادی آیزنکوت، رئیس ستاد کل نیروهای ارتش اسرائیل (IDF)، یک سند استراتژی منتشر کرد که در آن، تهدیدهای نظامی استراتژیک و تاکتیکی علیه اسرائیل، مسیرهای انتخابی اقدام IDF در سناریوهای مختلف درگیری و روابط/تابعیت بین رده‌های نظامی و سیاسی تشریح شده بود.